

راهنمای کاربری X_FPersian

وفا خلیقی

گونه ۱/۰/۴

حق کپی ۲۰۰۸-۲۰۱۰ وفا خلیقی
سیدنی، استرالیا

<http://xepersian.berlios.de>
vafa@users.berlios.de

فهرست مطالب

۱	مقدمه	۱
۱	۱.۱ حروف چینی فارسی	۱
۸	۱.۱.۱ دستور تعیین قلم متن	۸



- ۱.۱ حروف چینی فارسی ۱
۱.۱.۱ دستور تعیین قلم متن ۸

در این فصل با مقدمات *X_YPersian* آشنا خواهید شد.

کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مر اندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مر اندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مر اندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مر اندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود

ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو

به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه
 برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو
 بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی
 را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به
 ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و
 ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو
 راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی
 ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود
 ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و
 مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان
 و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود
 آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز
 هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و
 مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان
 و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود
 آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش کزین برتر اندیشه
 برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو
 بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی
 را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی
 به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه
 برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو

بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببايدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببايدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببايدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببايدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببايدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود

آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش کزین برتر اندیشه
 برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو
 بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی
 را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی
 به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه
 برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو
 بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی
 را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی
 به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه
 برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو
 بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی
 را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به
 ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و
 ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو
 راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی
 ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود
 ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و
 مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان
 و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را ببایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود
 آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز
 هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و

مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای فروزنده ماه و ناهید و مهر نگارندهی بر شده پیکرست نبینی مرنجان دو بیننده را که او برتر از نام و از جایگاه نیابد بدو راه جان و خرد همان را گزیند که بیند همی میان بندگی را بیایدت بست در اندیشهی سخته کی گنجد اوی ستود آفریننده را کی توان ز گفتار بیکار یکسو شوی به ژرفی به فرمانش کردن نگاه ز دانش دل پیر برنا بود ز هستی مراندیشه را راه نیست

دوم

سوم

۱.۱.۱ دستور تعیین قلم متن

دستور تعیین قلم متن به شکل زیر است:

```
\settextfont {نام قلم} [گزینه‌ها]
```

این هم متن بعد است

